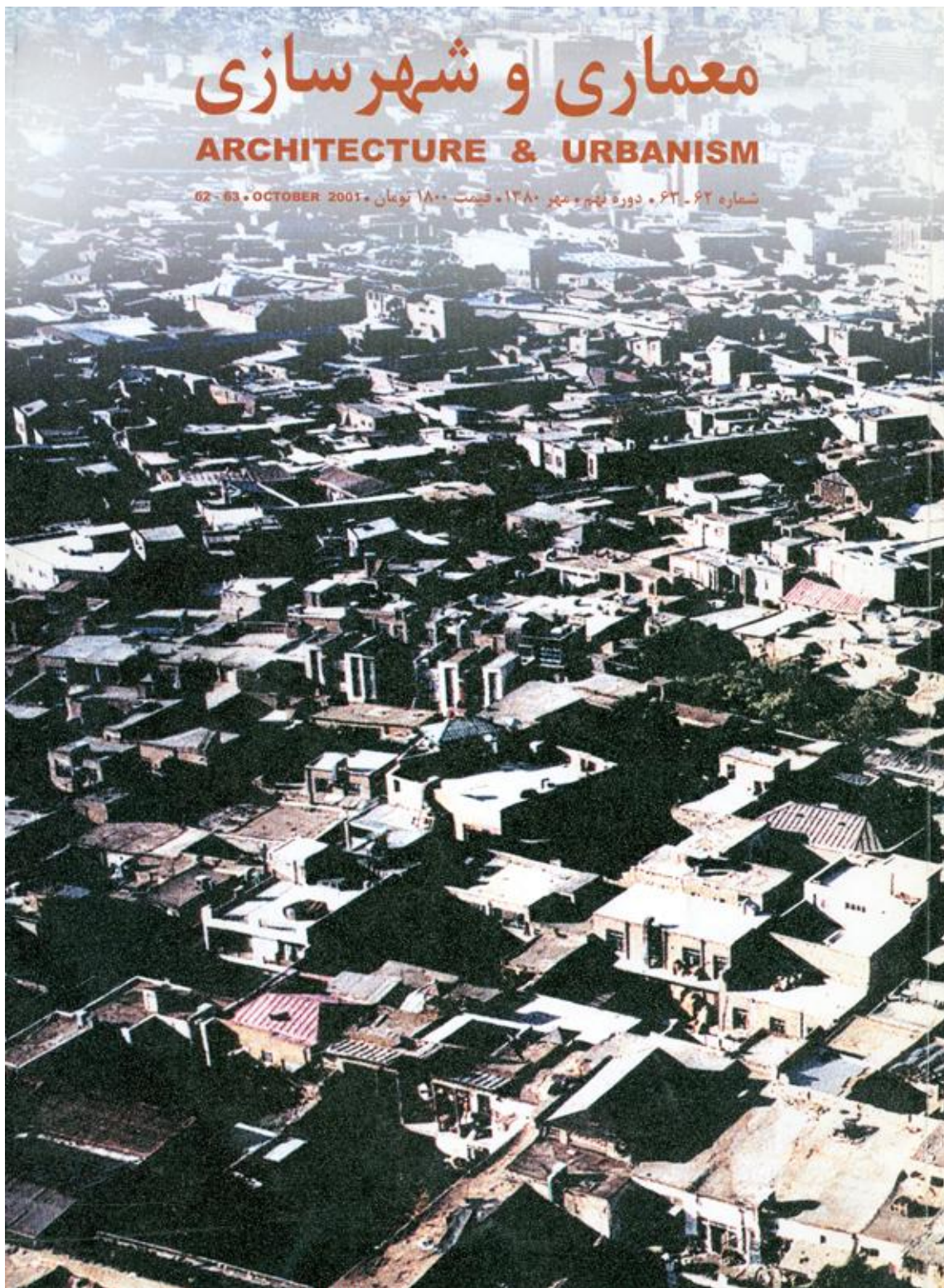


معماری و شهرسازی

ARCHITECTURE & URBANISM

شماره ۶۲-۶۳ • دوره نهم • مهر ۱۳۸۰ • قیمت ۱۸۰۰ تومان • 02-63 • OCTOBER 2001



به طراحی «جامه گرا» و «طبیعت گرا» تغییر یافته است. امروزه شهر سازی بر همبستگی متقابل «انسان - طبیعت - شهر» استوار شده است.

۳- راه آینده شهر سازی ایران کدام است؟

این تحولات در جهان و در ایران مستلزم دگرگونی در دیدگاه‌های برنامه ریزی از تعقل گرایی صرف به پویای علم و عمل Knowledge and Action است. نخستین تحول در دیدگاه برنامه ریزی، چنانچه در حدود تصمیمات کلان از تصمیمات خرد است. مقیاس کلان در سطح ملی و منطقه ای و بر پایه راهبردهای بلند مدت توسط دولت انجام می‌گیرد و مقیاس خرد یا مشارکت شهروندان و نهادهای محلی تحقق می‌پذیرد. دولت باید نقش خود را در مقیاس محلی به نهادهای مردمی بسپارد، تا مردم بر اساس نیازهای واقعی زندگی و کسب و کار و بر پایه آئین‌های هنجارهای خود و از طریق مشارکت عمومی به بهبود فضاهای شهری اقدام نمایند. این جریان از یک سو به رهیافت غیر متمرکز در شهر سازی منجر می‌شود و از سوی دیگر به هویت‌های پر تنوع محیط‌های شهری می‌افزاید.

باید بپذیریم که بسیاری از مسائل شهری ایران امروز به صورت رخدادی روزمره، کوتاه مدت در زمان حال وجود دارند و حل آن‌ها مستلزم درک درست از نیازهای واقعی روزمره مردمی است. «هایدگر» در رساله کوچکی در مورد معماری می‌گوید: «باید پیش از ساختن خانه‌ها ساکن آن شد». این گفته ساده بهترین تعریف برای برنامه ریزی و طراحی است. زیرا وجه «عملی» برنامه ریزی را بیان می‌کند. منظور از این گفته‌ها این است که: باید پیش از ساختن خانه راجع به کم و کیف فضاهای آن اندیشید و فکر کرد که چگونه می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد. مردم شهری یا روستایی امروز ایران که خانه خود را خوبتر و بر حسب نیازهای واقعی خود و تشخیص شرایط محیطی (باد، باران و آفتاب) می‌سازند، در واقع پیش از ساختن خانه، ساکن آن می‌شوند. یعنی راجع به نحوه ساختن آن فکر می‌کنند.

این را مقایسه کنیم با مردم شهر نشینی که خانه خود را از طریق انبوه سازی، بساز بفروشی اکتفا می‌کنند و در طراحی و ساختن آن هیچگونه مشارکتی ندارند. این خانه‌ها با نیازهای مادی و فرهنگی آنان انطباق نیافته و همین موجب بسیاری از ناخردنی‌های ساکنین مجتمع‌های مسکونی امروزی ایران است.

در شهرسازی نیز عیناً همین قاعده حاکم است. بهتر است مردم شهرهای خود را بر حسب نیازهای مادی و فرهنگی خود پدید آورند و آن را بر حسب خواسته‌های سکونت، معیشتی و گذراندن اوقات فراغت خود بسازند. این مفهوم اصل مشارکت مردمی را در شهر سازی توجیه می‌کند. برای نیل به این نیت می‌توان چند پیشنهاد کاربری برای شهر سازی آینده ایران ارائه داد:

۱- مقدم بر هر چیز چنان که تا کنون تجربه کرده‌ایم، شهر سازی راهنمای عمل است. در عملیات شهر سازی باید بر مشارکت مردمی تأکید ورزید.

۲- وجه علمی شهر سازی وابسته به سایر شاخه‌های علوم است. بنا بر این با اندیشه‌های دیگر شکوفا می‌شود و شرط این شکوفایی مشارکت سایر متخصصین به ویژه متخصصین اجتماعی در امر شهرسازی است.

۱- مسئله اساسی شهرسازی امروز ایران چیست؟

مشخصه شهرنشینی ایران در نیم قرن گذشته گرایش به تمرکز در شهرها بود و امروز گرایش به پراکنش جای آنرا گرفته است. این تحول در آینده نزدیک به شدت بسط خواهد یافت و به شکل «پراکنش متمرکز» Expansion Concentration تمام بخش آباد سرزمین ما را فرا خواهد گرفت. از آثار این پویای یکپارچه و واحدهای شهری کوچک، مستقل و دیگری تشکیل مرکزی است که کلیه عناصر متضاد شهری در آنها با یکدیگر ادغام خواهند شد. پیامدهای جانبی این شکل فضایی، گسترش مناطق حاشیه ای، افزایش حمل و نقل شهری، نابودی طبیعت و فراگیر شدن تنگناهای فضایی است.

در این پویای شهر سازی نیز دستخوش تنگنا خواهد شد. حل تضاد دو جریان ضد هم، یعنی «پویای و پراکنش» متضمن کاربست اصول توسعه پایدار است، اما در مقابل توسعه پایدار موانع بزرگی قرار گرفته است. بزرگترین مانع توسعه پایدار در ایران، اتکاء به سرمایه نفت است. در آینده نیز تا مدت‌ها برای دست یافتن به توسعه اجباراً باید از این سرمایه بهره گرفت. تا هنگامی که توسعه شهری مبتنی بر سرمایه نفت است، باید مطابق هدف‌های آن زندگی کرد و این خود یکی از علل ناپایداری توسعه در ایران می‌باشد.

۲- روح زمانه چیست و در شهر سازی چگونه تجلی می‌یابد؟

بنا به گفته برتراند راسل: «ما در عصری زندگی می‌کنیم که مهارت انسان در تهیه وسایل و حماقت وی در انتخاب هدف‌ها از ممیزات آن است.» در قرن بیستم در چارچوب سیستم‌های سرمایه داری «کارکرد گرایی» و «شکل گرایی» ملاک و هدف شهرسازی قرار گرفت اما امروز در آستانه قرن بیست و یکم، برای سامان دهی مجدد شهرها در الگوی توسعه پایدار، هدف‌های شهرسازی دگرگون شده و بر هدف‌های نوینی تأکید می‌ورزد مانند: هماهنگی با طبیعت، هویت فرهنگی جوامع و مشارکت اجتماعی و مقیاس انسانی. هماهنگی با طبیعت: سازگاری و هماهنگی اکولوژیکی، افزایش فضاهای باز و سبز، کاهش آلودگی، توجه به جنبه‌های زیبا شناختی مناظر طبیعی.

هویت فرهنگی: ادغام فرهنگی بومی با نظام طبیعی و معماری مردمی، ساختمان سازی بر اساس هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه، دوری جستن از یکسان سازی بر حسب استاندارد گرایی.

مشارکت عمومی: مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بر مشارکت شهروندان استوار می‌شود. به جای مقررات و ضوابط رسمی، فضاها و ساختمان‌های شهر بر پایه خواسته‌ها، هنجارها و سلیقه شهروندان شکل می‌گیرد.

مقیاس انسانی: با شکل شهر به صورت محله‌های متعدد و مرکز پر توان (بازارها) هدف دیگر زندگی شهری، یعنی حرکت پیاده در درون فضاهای زیستی و فعالیت‌های شهرها تحقق می‌یابد.

در چارچوب این اهداف عینی و واقعی، وظایف شهر سازی نیز دگرگون شده و رویه آن از طراحی «عملکرد گرا» و «شکل گرا»

۳- در شهرسازی ایران مشکل تبادل اندیشه و فهم هم در زمینه اهداف و هم در کاربرد وسائل وجود دارد. لازمه فهم مسائل شهری و توافق در اهداف گفتگو میان عوامل مؤثر است و برای این منظور داشتن « زبان مشترک » بین شهروندان، شهر سازان و مسئولین محلی ضروری است.

۴- دست یافتن به زبان مشترک، مستلزم آزاد سازی اندیشه از روح بوروکراسی است. شهر سازان باید از «گتوهایشان» (ادارات و دفاتر) خارج شوند و پا در عرصه فعالیت اجتماعی گذارند و با مردم اقدام به شهر سازی نمایند.

۵- و بالاخره لازم است شهر سازی آموزش داده شود. در ایران آموزش شهر سازی نوعی جهت گیری سیاسی است. می‌بایستی در همه جا و با همه کس در مدرسه، در رسانه‌های عمومی مسائل شهر سازی را مطرح ساخت و در تمام دانشکده‌ها به خصوص دانشکده‌های مهندسی، پزشکی، علوم اجتماعی، شهرسازی تدریس گردد تا همگان از جنبه اجتماعی آن آگاه شوند تا بتوانند با مشارکت عمومی نقش سازنده‌ای در بهبود محیط زیست مصنوعی ایفا نمایند.

شود. توجه به توزیع عرضی خدمات انسانی به خودی خود مسئله‌ای اقتصادی شهر را تشکیل خواهد داد.

در شهرسازی اکنون بیشترین توجه به تفکیک زمین، قطعه بندی و منطقه بندی یا Zoning و نوع استفاده از اراضی است. هیچ گونه توجهی به توزیع خدمات و چگونگی مفید واقع شدن آن به حال مردم نمی‌شود.

جامعه شناسی، مردم شناسی، علوم سیاسی و برقراری رابطه‌ی این مسائل با شهرسازی و داشتن مردم به همکاری در مسائل برنامه ریزی و توزیع خدمات برنامه ریزی را بایستی نه برای مردم بلکه با همکاری مردم انجام داد. شهرداری و دستگاه‌های دولتی باید وکیل منافع مردم در مقابل طرح های شهرسازی باشند.

در نهایت برنامه ریزی در سطح شهرها کار درستی نیست و این کار باید از سطح مملکتی شروع شده و به سطح منطقه ای یا آستانه برسد تا به سطح شهر ختم شود.

هدف های اجتماعی باید در طرح‌های شهرسازی تحقق پیدا کند.

کامران شاهین فر

۱- مسئله‌ی اساسی شهرسازی امروز ایران چیست؟

نبود سیاست و برنامه‌ی اسکان و اشتغال و رفاه در مملکت، ایران را به قیفی تبدیل کرده که همه چیز در حال سرخوردن به طرف سوراخ آن تهران است و این جریان که طرح مجرد شهری و شهرسازی را ناموفق خواهد گرداند.

۲- روح زمانه چیست و در شهرسازی چگونه باید تجلی یابد؟

۳- راه آینده شهرسازی ایران کدام است؟

- در دست رس (جهانی شدن) اطلاعات، بالا رفتن خواست و سطح توقع نبود توزیع امکانات، کمبود در همه چیز و نا به سامانی در محیط زیست.

- یکی از اشتباهات عمومی در شهرسازی، پرداختن به جنبه های فیزیکی طرح های شهرهاست، کم بها گرفتن و بی توجهی به مسائل اجتماعی‌ای است که در شهرها با آن مواجه هستیم.

هدف اصلی شهرسازی یا برنامه‌ی شهر بایستی توزیع خدمات عمومی در شهرها باشد، شهر یک واحد اجتماعی است، باید برای مردم طرح شود و باید به درد مردم بخورد. به هر حال مسائل شهرهای ما مسائل انسانی است. این مردم هستند که شهرها را توسعه می دهند و در عین حال اسکلت فیزیکی شهرها را به خطر می اندازند. مردم در شهرها جمع شده و از آن به صورت یک ارگانیزم اجتماعی استفاده می کنند.

بنابر این باید عامل انسانی مبنای راه حل‌ها قرار گیرد و باید در جست و جوی این عوامل بود. باید به مسئله‌ی رفاه در شهرها توجه جدی

